

پژوهشی نو پیرامون تاریخ نمایش در ایران

نمایش در تبریز (از انقلاب مشروطه تا نهضت ملی نفت)، پژوهش و نگارش، محمود رنجبر فخری، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۳، شانزده + ۷۳۶ ص.

پیش از آغاز سخن باید متذکر این نکته شد که نمایش و نمایش‌نامه‌نویسی در هر نقطه از ایران، یادآور نام دو چهره در حوزه فرهنگ ایرانی است. اول، فتحعلی آخوندزاده با اصالتی گیلانی و پرورده آذربایجان، به عنوان نخستین ایرانی که عرصه نمایش و نمایش‌نامه‌نویسی را به روی هم‌وطنان خود گشود؛ دوم، میرزا آقاسی تبریزی با اصالتی آذربایجانی و پرورده فرهنگ دارالفنون تهران، به عنوان نخستین کسی که به تصنیف نمایش‌نامه‌هایی به زبان فارسی دست یازید. با این تذکر به بررسی کتاب نمایش در تبریز پرداخته می‌شود، اما در آغاز سخن باید زمینه ورود نمایش به این شهر مورد بحث قرار گیرد.

پس از جنگ‌های ایران و روس، بخش‌های بزرگی از قفقاز که مناطق کوچک و بزرگی از آذربایجان، ارمنستان و گرجستان را در برمی‌گرفت، از ایران جدا شد. بخش‌هایی که دارای فرهنگ، سنت و بعضاً زبان مشترک با مردمان این سوی ارس یعنی آذربایجان ایران بود. اشتراک در زبان و فرهنگ، سبب گردید، جدایی سرزمین‌ها از یکدیگر نتواند تأثیر جدی بر روابط میان ساکنان این مناطق بگذارد و پیوند مردم در دو سوی ارس را از هم بگسلد، از همین رو، بحران اقتصادی ایران در سالهای پیش از جنگ جهانی اول، مهاجرین بسیاری را به سوی منطقه قفقاز

روانه ساخت. از جمله این مهاجرین، بسیاری از مردم آذربایجان بودند که برخی برای کار به مراکز بازرگانی و یا صنعتی قفقاز، مانند، صنایع نفت باکو می‌رفتند و برخی نیز برای تحصیل، جذب مراکز دانشگاهی آن دیار می‌شدند. آمار گذرنامه‌های صادره در تبریز و ارومیه، حکایت از آن دارد که در سال ۱۹۰۴م، تعداد ۵۴۸۴۶ نفر کارگر غیرماهر از ایران به روسیه رفته بودند که این تعداد در سال ۱۹۱۱ میلادی، به ۱۹۳ هزار نفر افزایش یافت. بر پایه این آمار، یک جمعیت چند صد هزار نفری از ایرانیان، همیشه در آن مناطق حضور داشتند. حضور این جمعیت غیربومی، منجر به تأسیس نهادهائی وابسته به جمعیت مزبور شد که از جمله آنها، مدارس ایرانیان و یا انجمن‌های خیریه آنان بود. گردانندگان این دو نهاد، دانسته یا ناخواسته زمینه‌های ورود هنر نمایش را از قفقاز به مناطق جنوبی‌تر یعنی آذربایجان ایران، به ویژه تبریز مهیا ساختند. ورود این هنر بدین ترتیب صورت گرفت: یکی از برنامه‌های این مدارس، اجرای نمایش بود که متأثر از فرهنگ دراماتیک روسیه تدوین می‌شد. دانش‌آموزان این مدارس در اوقات تفریح خویش به نمایش می‌پرداختند، آن هم در حضور کسانی که عمدتاً از والدین آنها برگزیده می‌شدند. انجمن‌های خیریه نیز از امر نمایش به دور نبودند. از فعالیت‌های این انجمن‌ها، جمع‌آوری کمک‌های مالی برای مهاجرین ایرانی بی‌بضاعت بود. یکی از راه‌های جمع‌آوری این کمک‌ها اجرای نمایش بود که عایدات آنها برای منظور فوق در نظر گرفته می‌شد. جمعیت مهاجر و عمدتاً کارگر ایرانی، بدین طریق با نمایش و تأثر آشنا شدند. قشر تحصیل کرده و مهاجر ایرانی نیز با این پدیده رو در رو شدند، اما آشنائی آنها به گونه‌ای دیگر بود. ایشان یا به تحصیل این هنر در مراکز آکادمیک می‌پرداختند و یا آن که جاذبه نمایش، آنها را به مراکز تئاتری قفقاز می‌کشاند و با چند و چون این هنر آشنا می‌ساخت. اقشار مختلف مهاجر و البته آشنا با نمایش و تئاتر، پس از بازگشت به ایران، خصوصاً آذربایجان، و تبریز، سوغات جدیدی که همان سنت نمایش و اجرای آن در محیطی به نام تئاتر بود، به همراه آوردند و به ایجاد و اشاعه آن در تبریز پرداختند. ورود آرامنه به عرصه نمایش هم، سبب گسترش و ارتقاء کیفی این هنر گردید؛ تا جایی که چند سالی پیش از کودتای ۱۲۹۹ش، تبریز شاهد اجرای نمایش‌هایی در سطح بسیار مطلوب بود و آثاری از ادبیات دراماتیک جهان، مانند: اتللو و هملت (از شکسپیر)، داماد فراری و طیبیب اجباری (از مولیر)، به روی صحنه تئاتر رفت. با کودتای رضاخان (۱۲۹۹ش)، مجالی چند ساله فراهم آمد تا کمیّت و کیفیت نمایش‌ها در تبریز، رشدی چشمگیر پیدا کند، اما با رسمیت یافتن حکومت پهلوی (۱۳۰۴ش) و بسط قدرت رضاشاه و استقرار نهادهای حکومتی، فرهنگ ایران به سوی دولتی شدن پیش رفت و نظارت نهادهائی مانند «اداره سانسور تामینات» و پس از آن، «سازمان پرورش افکار»، بر فرهنگ ایران رسمیت یافت. نمایش و نمایش نامه‌نویسی نیز از

نمایش تبریز

از انقلاب مشروطه تا نهضت ملی نفت

پژوهش نگارش
محمود رنجبر فخری

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۱۳۸۳

۳۷۳

تأثرات فضای جدید به دور نماند و این هنر در شهرهایی مانند تهران، تبریز و اصفهان، دچار نوعی خمودگی گردید. در این دوره و به ویژه پس از افتتاح تالار شیر و خورشید در تبریز (۱۳۰۶ش)، اجرای نمایش (بدون هرگونه نوآوری و خلاقیت)، به لحاظ کمی، رشدی فزاینده یافت. این روند تا پایان دوره رضاشاه ادامه داشت. نمایش در دوره محمدرضا، دارای افت و خیز بسیار شد که پرداختن بدان، مجالی مستقل می‌طلبد که از ظرفیت این مقاله خارج است.

نمایش در تبریز با این پیشینه، نیازمند تحقیقی جامع بود. خوشبختانه از سال‌ها قبل یکی از پیش‌کسوتان این هنر، یعنی محمدعلی رشدی و پس از وی، فرزندش جمیل رشدی، به گردآوری و حفظ اسناد، پوسترها و تصاویر مربوط به نمایش در تبریز همت گماشته و مجموعه‌ای بس‌گران سنگ فراهم آورده بودند. چند سال پیش، آقای امیر علیزادگان، با استفاده از این مجموعه به درج سلسله مقالاتی به نام «نمایش در تبریز» در فصلنامه «تئاتر همت گماشت»، اما همگان انتظار داشتند؛ اسناد این مجموعه را در کتابی مستقل در پیش‌رو و در اختیار خود داشته باشند. خوشبختانه در سال ۱۳۷۴ش، مجموعه یاد شده از طرف مرحوم جمیل رشدی به سازمان اسناد ملی ایران، مرکز تبریز اهداء گردید و بار دیگر این انتظار را میان اهل تحقیق زنده ساخت که مجموعه فوق‌الذکر در قالبی نظام‌مند به طبع برسد. سرانجام این امر به همت آقای محمود رنجبر فخری، ریاست وقت سازمان اسناد ملی ایران، شعبه تبریز که خود در انتقال اسناد

مذکور به سازمان اسناد، نقشی به سزا داشت؛ صورت گرفت و ایشان پس از چندین سال تحقیق، مجموعه مورد بحث را آماده چاپ و انتشار ساختند.

نمایش در تبریز، عنوان کتابی مستند است که در برگزیده نمایش نامه نویسی و اجرای نمایش در تبریز، در یک دوره نزدیک به پنجاه سال (از نهضت مشروطیت تا نهضت ملی نفت) است. اسناد و تصاویر ارزشمندی در این کتاب فراهم آمده است که با استناد بدان‌ها می‌توان از زوایای مختلف به حضور این هنر نو پا در تبریز نگریست. کتاب با پیشگفتاری از اهداءکننده اسناد، مرحوم جمیل رشدی آغاز می‌گردد. سپس مقدمه‌ای از آقای رنجبر فخری، گردآورنده و محقق کتاب آمده که به تفصیل، نمایش نامه نویسی در تبریز را مورد بحث قرار داده است. پس از آن، مباحث اصلی کتاب مطرح می‌شود که بر اساس گروه‌های نمایشی در تبریز، تقسیم بندی شده است. بر این پایه، اسناد، پوسترها، و تصاویر گروه‌های «جمعیت خیریه، آذریان، آئینه عبرت، آرین، آذربایجان، آرامنه، درام و اپرت تبریز، درام و اپرت فردوسی، ایران، انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی، فرقه دمکرات آذربایجان و انجمن هنرمندان» ارائه گردیده است. به دنبال این مدارک، نمایش نامه‌های «انجمن محسنیه» و «انقلاب مشروطیت ایران» که اولی در دوره مشروطه و دومی در دهه سی تصنیف شده؛ درج گردیده است. در پایان کتاب، فهرستی جامع تنظیم شده که گویای نام اشخاص، نمایش نامه‌ها، مکان‌های اجرای نمایش و... است.

۳۷۴

در یک بررسی کلی از این کتاب، دیده می‌شود که هنر نمایش در تبریز، دارای وجوه مختلفی بوده است، ولی آن چیزی که بیش از همه جلوه آرای می‌کند، ویژگی مردمی تئاتر در این شهر و پیوند آن با اقشار مختلف مردم در دوره مورد بحث است. برجستگی این خصوصیت، بهانه‌ای شده است تا از همین منظر، معرفی کوتاهی از این کتاب به عمل آید.

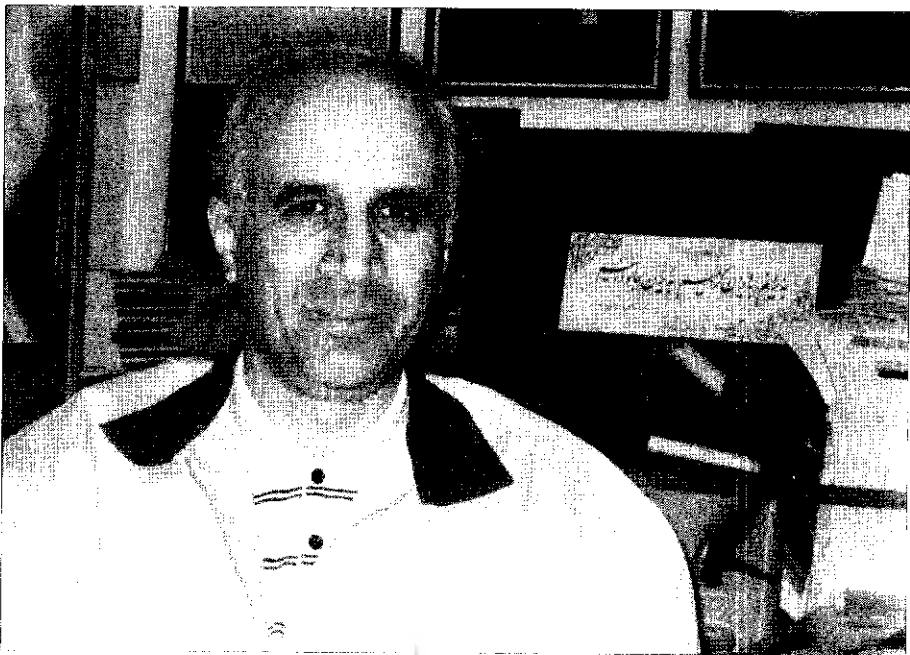
مهم‌ترین دلایلی که سبب گردید تا با تمسک بدان‌ها مدعی وجود ارتباط و پیوندی عمیق میان نمایش و مردم، در شهر تبریز گردیم، مواردی است از قبیل: «نمایش و امور خیریه»، «مضامین نمایش نامه‌ها»، «مکان فروش بلیط تئاتر» و «قیمت بلیط تئاتر».

۱. نمایش و امور خیریه:

در این دوره نمایش‌هایی که با انگیزه‌های خیریه در تبریز اجرا می‌شد؛ از شمار قابل توجهی برخوردار بود. نمایش‌هایی که عواید آن به مصارف مربوط به مردم، مؤسسات عام المنفعه و یا مسایل فرهنگی می‌رسید. این نمایش‌ها از چند شکل مختلف برخوردار بود، از جمله:

الف: برخی از نمایش‌ها به سود مردم آسیب دیده از یک حادثه طبیعی و یا غیرطبیعی اختصاص می‌یافت.

مانند:



● علی میرانصاری (عکس از علی دهباشی)

۳۷۵

- نمایش «دادگاه عدل» در ۱۲۵۸ش/۱۸۷۹م، توسط کشیش پاپازیان به منفعت قحطی زدگان شهر وان (ص ۲۰).

- نمایش «کریلایی گزمعلی نین عورتی» در ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م به منفعت دارالعجزه شهر تبریز (ص ۶۰).

- نمایش «کاوه آهنگر» در ۱۲۹۶ش به منفعت حریق زدگان شهر ارومیه (ص ۲۳).
- نمایش «او اولماسون - بو اولسون» در ۱۳۱۱ش به منفعت شاگردان ایتام مدارس (ص ۲۸۴).

- نمایش «فردوسی» در مهر ۱۳۱۳ش به منفعت سیل زدگان و خانمان سوختگان تبریز (ص ۱۶۸).

ب: برخی از نمایش‌ها به منفعت برپایی مؤسسات عام المنفعه اجرا می‌شد. مانند:

- اجرای یک نمایش در سال ۱۲۹۵ش به منفعت مریضخانه دولتی احمدیه (ص ۵۹۸-۵۹۱).

ج: برخی از نمایش‌ها به منفعت اشخاصی اجرا می‌شد که ظاهر دچار مشکلات مالی شده بودند. مانند:

- اجرای نمایش «او اولماسون - بو اولسون» در بهمن ۱۳۱۱ش به نفع آقای عباسعلی اسعدی (از چهره‌های نمایشی تبریز) جهت قدردانی از ایشان (ص ۱۴۷).

- اجرای نمایش «آرشین مالالان» در مرداد ۱۳۱۰ ش به منفعت حاجی خان تقی زاده، «شاعر و طنخواه و زحمتکش عالم نمایشات» (ص ۲۵۶).

- اجرای نمایش «داماد فراری» در شهریور ۱۳۱۰ ش به منفعت تکمیل نواقص تحصیلات یکی از محصلین مدارس عالیّه تبریز (ص ۱۴۹).

د: برخی از نمایش‌ها به منفعت امور فرهنگی مانند تأسیس مدارس و مؤسسات نمایشی و فرهنگی اختصاص می‌یافت. مانند:

- اجرای نمایش توسط آرامنه تبریز در ۱۳۰۶ ق/۱۸۸۸ م در حیاط مکتب آرامنه که عواید آن به مصرف مخارج مکتب مزبور رسید (ص ۲۱).

اجرای نمایش «مسیو ژوردان و مست علیشاه» در ۱۳۳۷ ق به منفعت مدرسه صنایع مستظرفه (ص ۴۹).

- اجرای نمایش «اصلی و کرم» در ۱۳۳۷ ق به منفعت «مدرسه جدید التأسیس انائیه» (ص ۶۷).

- اجرای نمایش «ازدواج دروغی» در ۱۲۹۱ ش به منفعت جریده تجدد (ص ۵۷).

- اجرای نمایش «نادرشاه» در ۱۲۹۹ ش به منفعت روزنامه برجیس (ص ۲۴).

- اجرای نمایش «فتح خوزستان» در ۱۳۰۶ ش به منفعت ایجاد بنای ساختمان تئاتر تبریز به نام شیر و خورشید (ص ۱۰۹).

اجرای نمایش‌های مختلف توسط گروه نمایشی «آیینه عبرت» به منفعت اداره مدرسه اکابر جهت تعلیم زبان فارسی به اشخاص بی‌بضاعت (ص ۹۱).

- اجرای نمایش «پروین دختر ساسان» در تیرماه ۱۳۱۶ به منفعت روزنامه فروشان تبریز (ص ۱۸۹).

۲- مضامین نمایش‌نامه‌ها:

مضامین نمایش‌نامه‌ها در این دوره برای مردم عینیت کامل داشت و عمدتاً از موضوعاتی انتخاب می‌شد که چه به لحاظ شخصی و خانوادگی و چه به لحاظ ملی و سنت‌های اجتماعی از موضوعات ملموس برای آنان به شمار می‌رفت. نمایش‌نامه‌های این دوره دارای مضامین زیر است.

الف- نمایش‌نامه‌های تاریخی: که در سرگیرنده مضامین مربوط به فرهنگ ملی و تاریخی ایران است. نویسندگان این نمایش‌نامه‌ها از تنوع خاصی برخوردار بودند. این نویسندگان، نه تنها از تبریز، بلکه برخاسته از تمامی نقاط ایران بودند و حتی نویسندگانی مانند عزیر حاجی

بیگوف و نریمان نریمانوف از منطقه قفقاز را هم شامل می‌شدند. برخی از نمایشنامه‌های تاریخی عبارتند از:

- «نادرشاه» در ۱۲۹۹
 - «رستاخیز سلاطین ایران» در ۱۳۰۸
 - «داریوش کبیر» در ۱۳۰۸
 - «شاه عباس» در ۱۳۰۹
 - «خسرو و پرویز» در ۱۳۰۹
 - «عباس میرزا» در ۱۳۱۰
 - «غار تگران ایران» در ۱۳۱۰
 - «آخرین یادگار نادرشاه» در ۱۳۱۲
 - «فردوسی» در ۱۳۱۳
 - «عمر خیام» در ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ و ۱۳۱۶
 - «امیر کبیر» در ۱۳۱۴
 - «فتوحات کوروش» در ۱۳۱۴
 - «پروین دختر ساسان» در ۱۳۱۶
 - «سلطان محمود غزنوی» در ۱۳۱۶
 - «بهرام و قیصر» در ۱۳۲۰
- ب- نمایش‌نامه‌های اجتماعی: که با هدف «تهذیب اخلاق»، نوشته و اجرا می‌شد. این گونه نمایش‌ها عمدتاً با نقد عادات اجتماعی و روابط ناسالم فردی و جمعی همراه بود. نمایش‌هایی مانند:
- «جهنم و کاشانه دیوانگان» در ۱۳۰۸
 - «برای ناموس» در ۱۳۱۰
 - «تازه داماد» در ۱۳۱۰
 - «استاد فرامرز» در ۱۳۱۱
 - «آی جان آی جان» در ۱۳۱۳
 - «زندگی یا مرگ» در ۱۳۱۴
 - «نتیجه عیاشی» در ۱۳۱۵
 - «قربانی جهالت» در ۱۳۱۶
 - «خواب و خیال» در ۱۳۱۶

ج- نمایش‌نامه‌های طنزآلود: بیشترین حجم اجراهای این دوره را به خود اختصاص داده است. این نمایش‌نامه‌های نیز به نوعی به نقد روابط ناسالم اجتماعی البته با زبانی طنزآلود، می‌پرداخت. آن چیزی که در این میانه به چشم می‌آید، مایه طنز است که در بیشتر نمایش‌نامه‌ها این دوره (به غیر از نمایش‌نامه‌ها جدی و تاریخی) دیده می‌شود. این امر نشان از گرایش مردم به طنز و روحیه پر نشاط آنان در این دوره است. برخی از این نمایش‌نامه‌ها عبارتند از:

- «آقای مرد با غیرت» در ۱۳۰۸

- «سیاح ایرانی» در ۱۳۰۹

- «شوهر دیوانه دهاتی» در ۱۳۱۰

- «مرگ دروغی» در ۱۳۱۰

- «پوز عالی جیب خالی» در ۱۳۱۲

- «داماد فراری» در ۱۳۱۰

- «تازه داماد» در ۱۳۱۱

- «تاجر کدو» در ۱۳۱۳

- «عروسی حاج آقا سرنگرفت» در ۱۳۱۳

- «آقای چرسی» در ۱۳۱۸

- «سرشماری» در ۱۳۲۰

۳- مکان فروش بلیط تئاتر:

محل فروش بلیط از دیگر مواردی است که می‌توان بر پایه آن، مدعی ارتباط مستقیم میان نمایش و مردم در این شهر شد. این محل‌ها نشان می‌دهد که نمایش در این شهر به یک قشر خاص مثلاً روشنفکران، تعلق نداشته است بلکه توده مردم در درجه اول و سپس سایر اقشار اجتماعی، از آن برخوردار بودند. از باب مثال اگر مخاطب نمایش، تنها قشر روشنفکر و تحصیل کرده آن روزگار می‌بود، می‌بایست مراکز روشنفکری، آموزشی و یا فرهنگی بدین کار می‌پرداختند در حالیکه بیشتر در اماکنی مانند: سلمانی، قنادی، دوچرخه فروشی، لباس فروشی، سیگار فروشی و داروخانه، بلیط تئاتر هم به فروش می‌رسید. فروش بلیط تئاتر، در چند منطقه تبریز صورت می‌گرفت که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

الف- بازار شیشه‌گر خانه: کارت فروشی شاهین، مغازه کلاه‌دوزی، سلمانی پرتو، کتابخانه پرورش، کتابخانه خیام، رستوران شیک، کتابخانه پروین، مغازه انجمنی، کتابخانه فردوسی و سیگار فروشی صلحی

ب- بازار حرمخانه: کتابخانه خورشید، مغازه علی اکبر و کتابخانه شرق

ج- بازار صفی: سیگار فروشی آقا غلامحسین

د- راسته بازار: عبدالمحمد شکرچی، دواخانه مرکزی

ه- بازار کفشدوزی: مغازه رحیمیان

و- خیابان پهلوی: سلمانی فروتن، سیگار فروشی یک کلام، لطفعلی خراز، سلمانی شهرزاد، سلمانی فروهی، مغازه نقاشی، کافه نوین، مغازه اطوکشی تمیز، کافه ستاره، کلاه دوزی، داروخانه دواچیان، داروخانه نعیمی، مغازه تعمیر کلاه، خیاط خانه و کفاشی وثوقی.

ز- خیابان فردوسی: مغازه نقاشی سیدعرب، سلمانی دانش، مغازه مساعد و دوچرخه فروشی صدیق آذر.

ح- خیابان تربیت: سلمانی توکل

ت- محله آرامنه: قنادی میهن

۴- قیمت بلیط تئاتر:

دست کم در طول بیست سال (۱۳۰۰-۱۳۲۰)، قیمت بلیط از نوسانات بسیار اندکی برخوردار بود و اگر دو یا سه نمایش را نادیده بگیریم؛ باید گفت که تقریباً قیمت بلیط در طول این مدت، ثابت ماند.

از باب مثال قیمت بلیط «لوژ» میان ۲۰ تا ۶۰ قران؛ قیمت بلیط «ردیف» میان ۲ تا ۲۰ قران؛ و قیمت «گالری» هم میان ۲ تا ۳ قران بود و قیمت بلیطها (جز در موارد نادر) از این مبالغ فراتر نرفت. ناگفته نماند که در برخی موارد تخفیف‌هایی نیز قائل می‌شدند و یا برای بعضی اقشار مانند دانش‌آموزان، بلیط‌های یک قرانی تهیه می‌شد.

در پایان باید متذکر شد که این کتاب با وجود تمام ویژگی‌های منحصر به فرد و با تمام گره‌گشائی‌هایی که از نقاط مبهم تاریخ نمایش در ایران و در تبریز نموده است؛ هنوز ظرفیت تکمیل و متمم بیشتری دارد و محقق ارجمند آن می‌تواند دایره منابع خود را به مطبوعات محلی تبریز، که خوشبختانه در دوره مورد نظر ایشان کم نیست؛ گسترش دهد و دفتر دومی برای آن تدارک ببیند.